



قیدهای شدت در گرامر زبان انگلیسی

پیش از شروع این مقاله حتماً قسمت اول را از اینجا بخوانید.

این قیدها درباره شدت یک کاری در گرامر زبان انگلیسی به ما اطلاعات میدهند. قیدهای شدت رایج را در زیر میبینید.

(تقریباً) <i>almost</i>	(نزدیک) <i>nearly</i>	(کاملاً) <i>quite</i>
(فقط) <i>just</i>	(کافی) <i>enough</i>	(به سختی) <i>hardly</i>
(بسیار کم) <i>scarcely</i>	(کاملاً) <i>completely</i>	(خیلی) <i>very</i>
(به شدت) <i>extremely</i>	(بسیار) <i>too</i>	

قیدهای شدت در گرامر زبان انگلیسی معمولاً در موارد زیر به کار میروند.

قبل از قید یا صفتی که آن را توضیح میدهند.



the water was extremely cold.

(آب شدیداً سرد بود)

قبل از فعل اصلی

She has almost finished.

(او تقریباً تمام کرده است)

به مثال های زیر توجه کنید.

I am too tired to go out.

(من بسیار خسته ام که بیرون برم)

They are completely exhausted from trip.

(آن ها کاملاً از سفر خسته اند)

در گرامر زبان انگلیسی *enough* به عنوان قید به معنی حد لازم است. این قید بعد از صفت و قید به کار میرود.

Is your coffee hot enough?

(آیا قهوه ات در حد لازم داغ است)



He didn't work hardly enough.

(او به اندازه کافی سخت کار میکرد)

همچنین پیش از اسم می آید و به معنی به اندازه لازم، است.
در این مورد قید نیست و وابسته اسم است.

We have enough bread.

(ما نان کافی داریم)

در گرامر زبان انگلیسی *too* به معنی بیش از حد نیاز، است.
این قید بعد از قیدها و صفت ها می آید.

This coffee is too hot.

(این قهوه خیلی داغ است)

He works too hard.

(او زیاد سخت کار میکند)

در گرامر زبان انگلیسی *enough* و *too* با صفت ها میتوانند با
for دنبال شوند.



The dress is big enough for me.
(لباس به اندازه کافی برای من بزرگ است)

The coffee was too hot for me.
(قهوه خیلی برای من داغ است)

در گرامر زبان انگلیسی ما همچنین میتوانیم از مصدر با *to* بعد از *too* و *enough* با قیدها و صفت ها استفاده کنیم.

The coffee was too hot to drink.
(قهوه خیلی داغ بود که خورده شود)

He didn't work enough to pass the exam.
(او به اندازه کافی کار نکرد تا امتحان را پاس کند)

در گرامر زبان انگلیسی *very* قبل از قید یا صفت می آید تا آن را قوی تر نشان دهد.

The girl was very beautiful.
(دختر خیلی زیبا بود)



He worked very quickly.

(او خیلی سریع کار کرد)

در گرامر زبان انگلیسی اگر که ما بخواهیم حالت منفی قید یا صفت را بسازیم، میتوانیم لغتی با معنی مخالف را انتخاب کنیم یا از *not very* استفاده کنیم.

The girl was ugly or the girl was not very beautiful

نکته: تفاوت بسیار زیادی بین *too* و *very* وجود دارد.

در گرامر زبان انگلیسی *very* حقیقت را بیان میکند.

He speaks very quickly.

(او خیلی سریع حرف میزند)

ولی *too* بیان میکند که مشکلی وجود دارد.

He speaks too quickly

(او خیلی سریع حرف میزند که من متوجه نمیشوم)



سایر قیده‌ها مثل *very* در گرامر زبان انگلیسی

این قیده‌های رایج مثل *very* و *not very* مورد استفاده قرار می‌گیرند و از نظر قدرت از مثبت به منفی لیست شده‌اند.

extremely (شدیداً)

especially (مخصوصاً)

particularly (خصوصاً)

pretty (زیاد)

rather (نسبتاً)

quite (زیاد)

fairly (به طور میانه)

Not especially (نه مخصوصاً)

Not particularly (نه خصوصاً)



نکته: در گرامر زبان انگلیسی *rather* میتواند هم منفی باشد هم مثبت، بسته به قید یا صفتی که فالو میکنند:

The teacher was rather nice.
(معلم نسبتاً خوب بود)

The film was rather disappointing.
(فیلم نسبتاً ناامیدکننده بود)

گاهی اوقات در گرامر زبان انگلیسی جای فاعل و فعل در جملاتی که قید دارند عوض میشود.

I have never seen such courage.
(هیچ وقت چنین جرئتی را ندیده ام)

Never have I seen such courage.
(هیچ وقت چنین جرئتی را ندیده ام)

توجه داشته باشید که این برعکس شدن در گرامر زبان انگلیسی، فقط در نوشتن است نه در صحبت کردن.



قیدهای قطعیت در گرامر زبان انگلیسی

قیدهای قطعیت در گرامر زبان انگلیسی میزان اطمینان ما درباره انجام کاری را نشان میدهند.

قیدهای قطعیت رایج در زبان انگلیسی

certainly (قطعاً)

definitely (یقیناً)

probably (احتمالاً)

undoubtedly (بدون شک)

surely (حتماً)

قیدهای قطعیت قبل از فعل اصلی می آیند ولی بعد از فعل کمکی.

He definitely left the house.
(او قطعاً خانه را ترک کرد)



وقتی که هم فعل کمکی هست، هم فعل اصلی، این قیده‌ها بین آن‌ها می‌آیند.

He has certainly forgotten the meeting.
(او یقیناً جلسه را فراموش کرده است)

در گرامر زبان انگلیسی گاهی این قیده‌ها میتوانند در ابتدای جمله بیایند.

Undoubtedly Winston Churchill was a great politician
(بدون شک وینستون چرچیل سیاست مدار بزرگی بود)

دقت کنید وقتی که از *surely* در ابتدای جمله استفاده میشود، به این معنی است که گوینده از گفته خود مطمئن است ولی به دنبال مدرک است.

Surely you've got a bike?
(حتماً یک دوچرخه داری)



قیدهای پرسشی

قیدهای پرسشی شامل موارد زیر هستند.

why (چرا)

where (کجا)

how (چگونه)

when (کی)

این قیدها معمولاً در ابتدای جمله به کار میروند.

Why are you so late?

(چرا اینقدر دیر کردی)

Where is my passport?

(پاسپورت من کجاست)

How are you?

(چطوری)



When does the train leave?

(قطار کی حرکت میکند)

نکته: در گرامر زبان انگلیسی *how* میتواند در چهار حالت به کار رود.

۱. به معنای از چه راهی؟

How to you start the car?

(چگونه ماشین را روشن میکنی)

۲. با صفت ها

How tall are you?

(چقدر بلندی)

۳. با *many* و *much*

How much is that ring?

(آن حلقه چقدر است)

۴. با دیگر قیدهها

How quickly can you read this?

(چقدر سریع میتوانی این را بخوانی)

حتماً در این صفحه نظرات خود را برای ما ارسال کنید.
در دوره راز گرامر کامل به این موضوع پرداخته ایم.

